

بررسی بحران بی‌هویتی در نمای ساختمان‌های مسکونی و ابعاد آن*

سمیرا گرشاسبی^۱، شروین میرشاهزاده^۲، حمیدرضا موسوی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، باشگاه پژوهشگران جوان، تهران، ایران.

۲- استادیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۳- استادیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

آدرس پست الکترونیکی نویسنده اول: garshasbi.samira@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی نویسنده دوم: sh.mirshahzadeh@iauctb.ac.ir

آدرس پست الکترونیکی نویسنده سوم: mousavihamidreza@yahoo.com

چکیده

منظر هر شهری تا حدود زیادی تحت تاثیر نمای ساختمان‌های آن است؛ در واقع نمای ساختمان‌ها را می‌توان نقطه تلاقی معماری و طراحی شهری دانست و از این‌رو دارای اهمیت ویژه‌ای است. از طرفی با توجه به اینکه بخش اعظم زمین‌های شهری به کاربری مسکونی اختصاص دارد، لزوم توجه به نماهای مسکونی دوچندان می‌شود. این درحالی است که نما در خانه‌های مسکونی معمولاً بدون طراحی خاصی رها می‌شوند و کار کشیدن نما (و نه طراحی آن) معمولاً در مرحله آخر انجام می‌شود و تنها جای پنجره‌هایی که در پلان در نظر گرفته شده، در نمای ساختمان خالی می‌شوند و یا در ساختمان‌های کمی لوکس‌تر از ستون و نیم‌ستون‌های یونانی بر روی نما و یا ستوری برای ورودی ساختمان استفاده می‌شود که هیچ‌سختی با معماری ایرانی ندارد. در این مقاله بعد از بررسی اهمیت نما، نقش و کارکرد آن و سیر تحول نما تا کنون، به آسیب‌شناسی نمای ساختمان‌های مسکونی معاصر در شهر تهران پرداخته شد و در نهایت راهکارهایی برای بهبود آن ارائه شد.

کلمات کلیدی: نما، بی‌هویتی، ساختمان‌های مسکونی معاصر، معماری، طراحی شهری.

*این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد خانم سمیرا گرشاسبی به راهنمایی خانم دکتر شروین میرشاهزاده و مشاوره آقای دکتر حمیدرضا موسوی است.

یکی از مهمترین اجزا و عناصر کالبدی شهری که به ویژه در نسبت با شهروند و تقویت حس مکان در فضای شهری مؤثر واقع می‌گردد، ترکیب نمای ساختمان‌ها و به عبارت دیگر "نمای شهری" است. به بیان دیگر "شهر زمینه بصری مشترکی است که همه شهروندان هر روز به ناگزیر در معرض آن قرار می‌گیرند و بایستی از آن استفاده کنند. اگر این زمینه مشترک نمایی زشت و ناموزون داشته باشد، تأثیرات مخرب روحی و روانی بر استفاده‌کننده می‌گذارد. روند تحولات معماری معاصر ایران مبین گذار از درون‌گرایی به برون‌گرایی، خصوصی به عمومی و درون‌زایی به برون‌زایی است. این دوره از اواخر دوره حکومت قاجاریه و بویژه پس از سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ به این سو قابل بررسی است. در پی این تغییر الگو از معماری درون‌گرا به معماری برون‌گرای امروز، موضوع نمای ساختمان و بررسی آن دارای اهمیتی ویژه‌ای شد. اما نما نیز همراه با ورود معماری وارداتی از غرب نوعی بی‌هویتی را تجربه کرد و تا به امروز نیز در سردرگمی به سر می‌برد و تحت‌تأثیر عواملی چون مد، مصالح، ضوابط، فرآیند طراحی و صد البته سطحی‌نگری طراحان از هویت اصیلی که باید ارائه دهد، فاصله گرفته است. در این مقاله ضمن بررسی تعریف و تبیین سیر تاریخی نما به عواملی که در ایجاد این بحران مؤثر بوده‌اند، اشاره خواهیم کرد و در انتها پیشنهادات و راهکارهایی ارائه خواهد شد.

۲- سوالات یا فرضیه‌های تحقیق (بیان روابط یا فرضیه‌های تحقیق)

۱- چه عامل یا عواملی در ایجاد بی‌هویتی در نماهای مسکونی معاصر مؤثر است؟

۲- در بحث طراحی و در این مورد خاص طراحی نما ضوابط چه جایگاهی دارد؟ آیا ضوابط قابلیت کنترل و بالابردن کیفیت نماهای شهری را دارد؟

۳- نقش معمار در طراحی نما به چه صورت است؟

۳- سیر تاریخی نما

ابتدایی‌ترین و حتی از لحاظ قدمت اولین وظیفه‌ای که نما عهده‌دار گردید، وظیفه حفاظت از انسان‌ها در مقابل تهدیدهای بیرونی بود. تا زمانی که خانه برای ساکنین آن یک حفاظ بود و آن را برای محافظت در مقابل تهدیدهای بیرونی می‌ساختند، نماسازی مفهومی نداشت. به عبارتی دیگر می‌توان گفت ساختمان‌های مسکونی دارای نما به مفهوم امروزی نبود. اما نما فقط یک محافظ و یک رابط درون و بیرون باقی نماند. از زمانی که لباس فرد، معرف شخصیت وی پنداشته شد، خانه نیز به مثابه لباس دوم می‌بایست معرف شخصیت، ارج و مقام اجتماعی مالک خود باشد. در معماری غرب نما یا فاساد دارای حالت نمایش است، بدین صورت که در همان وهله اول کسی را که در پشت آن زندگی می‌کند، نشان می‌دهد. همه چیز معرف علامت و شخصیت خانوادگی است، همه چیز طبقه اجتماعی و مالکیت صاحبخانه را نشان می‌دهد. آنها جبهه اصلی را فاساد به معنای چهره نامیدند. این واژه علی‌رغم اینکه ریشه‌ای لاتین دارد، ولی از اواخر قرون وسطی متداول شد. (پاکزاد، ۱۳۸۲: ۵۵)

در کشور ایران، مجموعه‌ای از مقررات و قوانین بصورت مستقیم و غیرمستقیم بر نمای ساختمان‌های شهری موثر بوده و می‌باشند. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به عنوان هماهنگ‌کننده مسائل مربوط به معماری و شهرسازی تصویب‌کننده طرح‌های جامع و تفصیلی، همواره بر تهیه و تصویب معیارها و ضوابط و آیین‌نامه‌های شهرسازی تاکید داشته است و از همین رو از طراحان شهری خواسته است تا در طرح‌های توسعه شهری برای تامین هماهنگی نمای شهری مقرراتی اقدام نموده است که سابقه آن تا پیش از سالهای ۱۳۳۰ می‌رسد. در این مقررات بخش‌های قابل ملاحظه‌ای به طراحی، اجرا و نگهداری نمای ساختمان‌ها مربوط می‌باشد که متأسفانه به تدریج به فراموشی سپرده شد. در اواخر قاجار و اوایل دوران پهلوی، بدلیل تحولاتی که در همه جنبه‌های زندگی رخ داد، بتدریج شیوه‌های غربی در معماری و شهرسازی ایران تاثیر گذاشته و بسیاری از خانه‌ها و ساختمان‌های مسکونی دارای نمای خارجی مشخص‌تر می‌شوند. از این دوران تا کنون ضوابط و مقررات محدودی در ارتباط با نماسازی در شهرها تدوین گردیده که غالباً در تهران مورد تاکید قرار گرفته‌اند.

اولین مقررات رسمی برای شهرسازی در ایران، بین دو جنگ جهانی تدوین گردید. در اوایل دهه ۱۳۲۰، مسئولیت تنظیم آیین‌نامه ساختمانی بر عهده کادری متشکل از آرشیست‌های زبده ایرانی و خارجی واگذار شد. آیین‌نامه فوق شامل مقررات کلی در مورد ارتفاع ساختمان‌ها نسبت به عرض معابر و قواعدی برای حل ارتفاع ساختمان‌ها نسبت به عرض معابر و قواعدی برای حل مشکلات نمای ابنیه می‌گردید که اغلب بندهای آن هرگز به اجرا در نیامد. در دهه ۴۰ اقداماتی در جهت تکمیل و اجرای مقررات یادشده انجام پذیرفت.

در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی ضوابط و مقررات نمای شهری تدوین شد که در این قانون تمامی سطوح نمایان ساختمان‌های واقع در محدوده و حریم شهرها و شهرک‌ها که از داخل معابر قابل مشاهده است، اعم از نماهای اصلی یا جانبی، نمای شهری محسوب شده و لازم است با مصالح مرغوب به طرز مناسب، زیبا و هماهنگ نماسازی شود. همچنین در این قانون تاکید شده که صدور گواهی پایان‌کار مشروط به انجام نماسازی نماهای اصلی و جانبی خواهد بود.

در سال ۱۳۷۵، مطالعاتی بنا به درخواست شهرداری تهران، توسط مهندسین مشاور مهران در خصوص "طرح ساماندهی نمای شهری" به عمل آمد. در این مطالعات، ضوابطی در مورد شرایط هماهنگی نما با ساختمان‌های مجاور، جزییات نماسازی نظیر بیرون‌زدگی‌ها، پیشانی‌ها و پخ‌ها، انتخاب مصالح نما، رنگ‌آمیزی، نصب اعلانات و الحاقات به بنا و حصارکشی‌ها ارائه شده است. همچنین نماهای شهری از لحاظ درجه‌بندی محورهای مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس رتبه محور شامل محورهای اصلی، فرعی و ویژه، مقررات و ضوابط خاص طراحی نما و ساماندهی وضع موجود تدوین و به اجرا درآمد. (مهران، ۱۳۷۵: ۱۳۹)

۴- الگوی رایج نما در فضاهای مسکونی معاصر

معماری خیابانی در دوران پهلوی اول همزمان با ورود تاسیسات، برق، آب و غیره به درون ساختمان‌ها به وجود آمد و با ایجاد طبقه متوسط که خانه‌های کوچک را می‌طلبیدند، رونق پیدا کرد. در این دوران کوچه به خیابان

تبدیل شد. معماری درون‌گرا با اندرونی و بیرونی جای خود را به معماری داد که به ناچار کنار خیابان قرار می‌گرفت و نوعی معماری خیابانی را به وجود می‌آورد. به صورت کلی این نوع معماری خیابانی را که دارای سیمای خاص و مشخص بودند می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد:

معماری آپارتمانی: طراحی شده برای آپارتمان‌ها در طبقات دوم و سوم کنار خیابان و در ردیف همکف، پیاده‌رو، مغازه‌ها و دکان‌ها. از مهم‌ترین نمونه‌ها: خیابان انقلاب تهران.

معماری ساده خیابانی در دو طبقه: مغازه‌ها و دکان‌ها در پایین و بالا معماری ریتمیک با نظم خاص، مانند نمونه: خیابان‌های حافظ، سعدی، فردوسی، ناصر خسرو و سرچشمه. در این نمونه‌ها بالکن‌ها رو به خیابان بسیار جذاب است. این بالکن‌ها را هم رو به خیابان مشاهده می‌کنیم و هم رو به کوچه. اینها نشانه‌هایی از توجه به فضاهای عمومی شهری است که در شهرسازی گذشته ایران سابقه نداشت.

معماری زمین‌های تقسیم‌شده بین مردم: به صورت قطعات تفکیکی، مانند مجموعه‌های بین خیابان‌های جمهوری و انقلاب که با تقسیم‌بندی شطرنجی منظم در خور توجه‌اند. این قطعات تفکیکی که به عنوان محله‌ها و توسعه‌های جدید شهری درآمدند غالباً به عرض ۱۰-۱۵-۲۰ متر و طول ۲۰-۳۰-۴۰ متر به صورت شمالی و یا جنوبی واگذار می‌شدند. در این واگذاری‌ها ساختمان در ۵۰ یا ۶۰ درصد سطح اشغال و یک یا دو طبقه ساخته می‌شد. این مجموعه‌ها که تقریباً تا سال‌های دهه ۱۳۳۰ به سبک و سیاق معماری پیش از مدرن اجرا می‌شدند، علی‌رغم ایجاد ناهمگونی‌ها جلوگیری به عمل می‌آورد و در نتیجه مجموعه‌هایی بسیار زیبا به نظر می‌رسیدند که متأسفانه به جز تعداد اندک مشمول تخریب شده‌اند. این نماها دارای این ویژگی‌ها بوده‌اند:

۱- استفاده از مصالح محدود مانند آجر و گچ که نوعی آجر بهمنی در اوایل دهه ۱۳۳۰ از بهترین این نمونه‌ها است.

۲- از عناصر تکراری در نما مانند پیش‌آمدگی‌ها، ایوان‌ها و بالکن‌ها استفاده می‌شده است.

۳- خط آسمان و به اصطلاح هره پشت بام غالباً با آجر و به صورت تزیینی کار می‌شد و در محل اتصال به زمین به جای سنگ‌های ۳۰ سانتی‌متری پلاک امروزی در بناهای امروز، از سنگ‌های لاشه‌ای و به ارتفاع حدود یک متر استفاده می‌شد. (صارمی، ۱۳۹۱: ۹)

در سالهای اخیر شاهد شیوه‌های التقاطی طراحی نما هستیم که در آنها هم از شیوه‌های پیشین الگوبرداری شده و هم از شیوه‌های جدید غربی که معروفترین آنها پست مدرنیسم و دیکانستراکشن است. تا یک دهه قبل نما با آجر سه سانتی مد روز بود و پس از آن نمای معروف به نمای رومی با سیمان سفید و ستون‌های فرم داده شده رایج شده است. گاهی این ستون‌ها به ارتفاع چندین طبقه و بصورت تزیینی و بدون تناسب و بدون نقش سازه‌ای در جلوی ستون‌های بلند قرار می‌گیرند. نماهای با نقش برجسته ستون به تقلید از سبک نئوکلاسیک؛ همچنین نماهایی با کاشیکاری و آجرکاری سنتی که البته بسیاری از این نماها ممکن است از لحاظ شیوه معماری با پلان آن‌ها هماهنگی نداشته باشند.

ترکیب چند شیوه معماری را نیز در بسیاری از نماها می‌بینیم. نماهای اخیر از کنترل خارج شده و هر کس به سلیقه خود عناصر ناهمگونی را در کنار هم می‌چیند و نما طراحی می‌کند. این شیوه‌های التقاطی، چند صباحی ممکن است مردم را جذب کنند و به عنوان مد روز مطرح شوند ولی ماندنی نیستند و زودگذرند. مد در مورد پوشاک و ... که عمر کوتاهی دارند مشکل ایجاد نمی‌کند ولی در ساختمان‌هایی با عمر ۵۰ سال و با این همه هزینه که برای آن‌ها صرف می‌شود نباید تابع مد باشند.

۵- عوامل موثر بر الگوهای نمای فضاهای مسکونی معاصر

۵-۱- مقررات سطح اشغال بنا: برخی از ضوابط و مقررات مربوط به سطح اشغال ساختمان در ۶۰٪ شمال ملک، موجب بروز مشکلاتی در نماهای شهری می‌گردند. در محورهای شرقی-غربی، نماهای ضلع شمالی محور، بدلیل رعایت این مقررات، پیوستگی نما را از دست می‌دهند چرا که فاصله بنا از خیابان و وجود حیاط در حد فاصل آنها، موجب می‌گردد که عابر پیاده صرفاً دیوار محوطه را به عنوان نما مشاهده کند و با نمای اصلی ارتباط برقرار نمی‌کند. ضمن اینکه معمولاً به ناسازی این دیوارها هم توجه نمی‌شود و هماهنگی آن با نمای ساختمان مدنظر قرار نمی‌گیرد. طبق این مقررات، این سطح اشغال به ساختمان‌های مسکونی مربوط می‌شود و چنانچه کاربری آن عمومی باشد، ممکن است به میزان ۱۰۰٪ سطح ملک برسد. در اینصورت نمای اصلی در خیابان قابل مشاهده است. بنابراین در ضلع شمالی محورهای شرقی-غربی معمولاً چند نمای اصلی وجود دارد و بین آنها یکسری دیوار محوطه که این پیوستگی را از بین برده‌اند.

در محورهای شمالی-جنوبی نیز چنانچه کاربری‌ها اکثراً مسکونی باشد، شاهد این ناپیوستگی هستیم. در بسیاری از موارد، طراح می‌تواند راه‌حل‌های ابتکاری برای تامین نور مناسب و حیاط قابل استفاده (برخلاف حیاط خانه های جنوبی که در پشت واقع شده و عملاً غیرقابل استفاده می‌ماند) ارائه کند، و این مقررات دست و پاگیر مانع آن می‌شود. در ادامه همین ضابطه رعایت پخ ۴۵ درجه به طول ۲ متر است که بطول ۶۰٪ اضافه می‌شود و یکنواختی شدیدی در نماها ایجاد کرده است ولی خوشبختانه اخیراً سعی می‌شود که راه‌حل‌های ابتکاری برای آن پیشنهاد گردد.

۵-۲- نورگیری پلکان: بر اساس مبحث ۴ مقررات ملی ساختمان پلکان بایستی از نور مستقیم استفاده کنند. با توجه به مشکلی که معمولاً در نورگیری فضاهای داخلی ساختمان وجود دارد و فضاهای درجه یک در نورگیری دچار مشکل هستند این سوال مطرح می‌شود که چه دلیلی برای الزامی بودن نور طبیعی برای فضایی است که تنها چند ساعت در روز نیاز به روشنایی دارد؟ از طرفی این ضابطه نماهای ساختمان‌های مسکونی را بسیار تحت تاثیر قرار داده است و معمولاً شاهد یک نورگیر عمودی به اندازه ارتفاع ساختمان هستیم که برای نورگیری پلکان در نظر گرفته می‌شود و هیچ تناسبی با سایر اجزای نما از نظر ابعاد، تناسبات و ... ندارد.

۵-۳- ارتفاع سقف: ارتفاع طبقات در ساختمان‌های مسکونی معمولاً ثابت و بین ۳ تا ۴ متر در نظر گرفته می‌شود. اگر اختلاف ارتفاعی هم در نظر گرفته شود معمولاً به صورت سقف کاذب و در معماری داخلی پنهان می‌

شود و معمولا هیچ نمودی در نمای ساختمان ندارد. در نتیجه آن شاهد پنجره‌های ردیفی در نمای ساختمان هستیم.

۵-۴- بازشوهای یکنواخت: بازشوها از نظر طراحی و همچنین ابعاد و اندازه معمولا یکنواخت هستند؛ این در حالی است که در معماری قدیمی ما پنجره‌های هر فضا متفاوت بوده است به عنوان مثال پنج دری برای اتاق مهمان یا سه دری برای فضاهای خودمانی‌تر در نظر گرفته می‌شده است.

۵-۵- پلان تیپ: لوکوربوزیه در کتاب خود نما را این‌طور تعریف می‌کند: "پلان از درون به بیرون سیر می‌کند؛ بیرون یا نما، نتیجه اندرون است". (لوکوربوزیه، ۱۳۸۶: ۱۲). نماهای یکنواخت را می‌توان نتیجه مستقیم پلان های تیپ دانست. پلان‌های تیپ را می‌توان محصول ایده تولید انبوه در دوران مدرن دانست که بعدها شدیداً مورد نقد معمارانی چون رم کولهااس قرار گرفت.

۵-۶- عناصر استراکچرال: حذف تدریجی قاب در پاره ای از ابنیه، تضعیف حس استراکچرال بنا را به دنبال داشته است. به گونه ای که در پاره ای از ابنیه اواخر دوران قاجار با سطوح صاف و دیواره هایی نشسته بر روی زمین روبرو هستیم بدون آنکه بتوان عناصر خاصی را القا کننده نوعی حس باربری یافت.

استفاده از قاب، امکان ایجاد تنوع در اشکال فرعی تر را در عین حفظ پیوستگی نما فراهم می نماید و حذف آنها در صورت کوچکترین بی توجهی، اغتشاش و بی نظمی نما را در پی خواهد داشت. البته این را می توان در نتیجه پیروزی رویه و سطحی در معماری مدرن دانست که استورات اوین در کتابش که در مورد سیاست سبک است به آن اشاره می کند. وی این پوسته های جدید ناشناخته را عامل جدایی سازه از معماری می داند. (جوادت، ۱۳۷۸: ۱۶)

۵-۷- زمینه: با ورود معماری مدرن یکی از بزرگترین مسائلی که نادیده گرفته شد، زمینه طرح بود. مسئله ای که در نماهای امروز شهر تهران دیده می شود کاملاً مبین این موضوع است. نماهایی که بدون هیچ توجهی به بستر طرح به ساختمان های اطراف خود دهن کجی می کنند. یک مسئله طراحی، زمانی حل می شود که ارتباط رضایت بخشی بین "نیازها"، "فرم" و "زمینه" ایجاد شود. نیاز برنامه یا خلاصه طراحی معمولا دربرگیرنده اطلاعاتی است مرتبط به نیازها و درخواست مشتری. زمینه هم به طراح کمک می کند تا مرزهای مسئله را تعیین کند و محدودیت ها را در شمار گزینه های طراحی قابل دسترس قرار دهد. معماران با تجربه از این محدودیت ها استقبال می کنند. زیرا به آن ها کمک می کند تا توجه خود را روی گزینه های عملی تر متمرکز کنند. فرم نیز به عنوان سومین مجموعه از متغیرها تحت کنترل طراح است. طراح بعد از تعیین متغیرهای نیاز و زمینه، در اینجا می تواند به کارفرما کمک کند. ولی باید به یاد داشته باشد که مسئله طراحی در گرو و تفاهم بین نیاز، زمینه و فرم است. (لازیو، ۱۳۷۷: ۹۴). با توجه به آنکه به عنوان معرفی کننده هر ساختمانی است لزوم توجه به زمینه دوچندان خواهد بود و در اصل نقطه تلاقی معماری و شهرسازی است. البته مراد ما به هیچ وجه طراحی نمای مشابه با ساختمان های موجود نیست. بلکه طراحی متناسب با بستر طراحی است.

۶- راهکارها و پیشنهادات

با توجه به موارد عنوان شده لازم است راهکارهایی عملی برای طراحی نما ارائه شود. در ادامه چند راهکار بدین منظور پیشنهاد شده است:

۶-۱- بازبینی و تجدید نظر در تقسیم قطعات زمین شهری: سالهاست که الگوی تقسیم قطعات بصورت مستطیل‌های به هم چسبیده و خطی در جهت شمالی و جنوبی یا شرقی و غربی و ساخت ۶۰٪ زیربنا در آنان با تراکم‌های مختلف استفاده می‌شود. در این الگو که تا حدی می‌توان آنرا نشأت گرفته از الگوی کوشک قاجاری دانست، حیاط به عنوان یک فضای با ارزش و فضای باز خصوصی بشمار نمی‌رود بلکه بصورت باقیمانده زمین و اکثر همراه با اشراف و تجاوز به حریم بصری است.

۶-۲- توجه به عوامل موثر در جلوه نما: در طراحی نما برخی عوامل بسیار موثرند و لازم است در طراحی آنها دقت لازم به عمل آید. این عوامل شامل موارد زیر هستند:

۶-۲-۱- لبه‌ها: خط زمین، خط آسمان، خطوط مشترک با بناهای مجاور، ارتفاع و پهنای نماها.

۶-۲-۲- خطوط و عناصر: شکل‌های کلی و بارز در بنا، تراز خطوط افقی، ریتم خطوط قائم، ترکیب فضاهای پر و خالی، ترکیب تورفتگی‌ها و پیش‌آمدگی‌ها، ترکیب عناصر اصلی عملکردی (ورودی، پنجره، بالکن و ...)، وضعیت طبقه همکف و آخر، وضعیت مفاصل بصری، تاکید بر روی عنصر خاص.

۶-۲-۳- عمق دید: وضعیت استقرار ساختمان در محیط (عرض ساختمان معبر و فاصله ناظر)، وضعیت معابر اطراف و فضاهای خالی اطراف کاربری.

۶-۳- طراحی متناسب با کاربری مسکونی: نما معمولا نمایانگر کاربری ساختمان نیز هست، چرا که نور مورد نیاز بنا، سطح نورگیرها و ابعاد آن را مشخص می‌کند. نمای ساختمان مسکونی بایستی مقیاس انسانی داشته باشد و حالت صمیمانه‌ای را القا کند.

۶-۴- طراحی نمای پنجم: در الگوی رایج فضاهای مسکونی معاصر بام بدون طراحی رها می‌شود و به فضایی با پوشش آسفالت تبدیل شده که عموماً تنها به مکانی برای قراردادن کولر تبدیل شده است. بام خانه از دیرباز در زندگی ما نقش مهمی داشته است. بدوی‌ترین ساختمان‌ها چیزی به جز یک سرپناه (یا یک سقف) نبوده است. این کارکرد سرپناه بودن را نمی‌توان تنها با گذاشتن بام بزرگ بر روی ساختمانی که موجود است ایجاد نمود. یعنی این که سقف (بام) خانه نباید فقط بزرگ و قابل رویت باشد بلکه حجم آن باید به گونه‌ای باشد که خود دربرگیرنده محلی برای سکونت باشد. از طرفی باید توجه داشت هندسه بام خود می‌تواند از نظر روانی حس سرپناه بودن را ایجاد کند. (الکساندر، ۱۳۸۸: ۲۸۸)

۶-۵- استفاده از الگوهای معماری ایرانی: محل بازشوها در ساختمان‌های امروزی بدون وجود الگوی خاصی انتخاب می‌شوند. عموماً اتاق‌ها بدون هیچ تناسب خاصی طراحی می‌شوند و محل بازشوها هم با توجه به محل

قرارگیری ستون‌ها و تیغه‌های داخلی انتخاب می‌شوند. این در حالی است که در معماری ایرانی از مدول و به تعبیر استاد پیرنیا از پیمون استفاده می‌شده است. فرامرز پارسی در مقاله خود ابتدایی‌ترین شکل در معماری ایرانی را مربع می‌داند که هر ضلع آن سه مدول می‌باشد و چنین مربعی یک مربع نه قسمتی است که می‌تواند محورپذیر باشد و در نمای رو به بیرون آن می‌توان سه پنجره قرار داد که این مربع بنیان تحول و تنوع فضای معماری ایران است و همه فضاهای الگویی دیگر از تحول این فضای نه قسمتی ایجاد شده است. (پارسی، ۱۳۹۱: ۷۲) همان‌طور که می‌بینیم حتی محل تعبیه پنجره‌ها کاملاً دارای الگوی خاص است و مانند فضاهای مسکونی معاصر بی‌قاعده نیست.

۷- نتیجه‌گیری

نما دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ چراکه نما مدخل معماری و معرف ساختمان است. در واقع نما جایی است که معماری خود را ارائه می‌دهد. اگر درون ساختمان تنها با ساکنین ساختمان در ارتباط است، بیرون ساختمان و نمای آن با تمامی مردم شهر در ارتباط است. با توجه به اهمیت ویژه نما و با توجه اینکه نما به شکل معاصر آن در معماری ایران پدیده‌ای نوظهور است، لزوم تدوین الگوهایی برای نما با توجه به روح معماری ایرانی-اسلامی ضرورت می‌یابد. در این مقاله الگوی رایج نماهای فضاهای مسکونی معاصر مورد تحلیل قرار گرفت و عوامل محدودکننده در طراحی نما همچون مقررات سطح اشغال بنا، نورگیری پلکان، ارتفاع سقف، پلان تیپ و شناسایی شدند و در ادامه راهکارها و پیشنهادهایی برای طراحی نما ارائه شد. با توجه به موارد عنوان شده در مقاله به نظر می‌رسد باید تجدیدنظر کلی نسبت به الگوی ساختمان‌سازی رایج در شهر تهران صورت گیرد. قطعاً در این میان وضع ضوابط و قوانین تشویقی می‌تواند پا را فراتر گذاشته و در معماری ساختمان‌ها نیز تاثیرگذار باشند. امید است با وضع ضوابط دقیق بر اساس شرایط و وضعیت خاصی که هر یک از مناطق و محلات شهر تهران دارند، بتوانیم الگوی معماری ایرانی اسلامی را در قرن حاضر بازتولید کنیم و گامی به جلو برداریم.

مراجع

- ۱- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۸. الگوهای استاندارد در معماری. مترجم فرشید حسینی. تهران: نشر مهرآزان.
- ۲- پارسی، فرامرز. ۱۳۹۱. روش طراحی در معماری تاریخی ایران. مجله معمار. شماره ۷۲. تهران.
- ۳- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۲. پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن. مجله هنرهای زیبا. شماره ۱۴. تهران.
- ۴- صارمی، علی‌اکبر. ۱۳۹۱. سیمای مغشوش خیابان در شهرسازی ایران. مجله معماری و فرهنگ، تهران.
- ۵- جودت، محمد رضا و همکاران. ۱۳۷۸. شش مفهوم در معماری معاصر. چاپ اول. تهران.
- ۶- لوکوربوزیه. ۱۳۸۶. نگرشی نو به معماری. ترجمه مجتبی دولتخواه. تهران: انتشارات ملائک

۷- لازبوی، پل. ۱۳۷۷. تفکر ترسیمی برای معماران و طراحان. ترجمه سعید آقایی و محمود مدنی. انتشارات هنر و معماری.

۸- مهرازان. ۱۳۷۵. تدوین مبانی ساماندهی نمای شهری تهران، تهران.